

لیست کامل ریشه‌های لاتین و یونانی

(Latin Roots) ریشه‌های لاتین

ریشه	معنی	توضیح	مثال انگلیسی	معنی مثال
ambi	هر دو	چیزی که دو جنبه دارد	ambidextrous	کسی که با هر دو دست می‌نویسد
aqua	آب	مربوط به آب	aquarium	آکواریوم، جای نگهداری ماهی‌ها
aud	شنیدن	مربوط به شنیدن	audience	مخاطب، شنوندگان
bene	خوب	چیزی مفید یا مهربان	benefactor	حامی یا خیر
cent	صد	مربوط به عدد صد	percent	درصد
circum	دور	دور چیزی رفتن	circumference	محیط دایره
contra / counter	مخالف	در برابر چیزی بودن	contradict	مخالفت کردن
dict	گفتن	گفتار یا صحبت	dictation	دیکته نوشتن
duc / duct	هدایت کردن	راهنمایی یا رهبری کردن	conduct	هدایت کردن
fac	ساختن	درست کردن یا انجام دادن	factory	کارخانه
form	شکل	شکل دادن یا تغییر شکل	reform	اصلاح کردن
fort	قدرت	قدرت یا استحکام	fortress	دژ یا قلعه‌ی محکم
fract	شکستن	شکستگی	fracture	شکستگی استخوان
ject	پرتاب	پرتاب کردن	reject	رد کردن
jud	قضاوت	مربوط به قضاوت یا دادگاه	judicial	قضایی
mal	بد	چیزی منفی یا آسیب‌زننده	malefactor	بدکار، تبهکار
mater	مادر	مربوط به مادر	maternity	زایمان، مادری
mit	فرستادن	ارسال چیزی	transmit	انتقال دادن
mort	مرگ	مربوط به مرگ	mortal	فانی

multi	چند	تعداد زیاد	multiple	چندگانه، متعدد
pater	پدر	مربوط به پدر	paternal	پدرانه
port	حمل کردن	جابه‌جا کردن	portable	قابل حمل
rupt	شکستن	خراب یا قطع کردن	disruption	اخلال، اختلال
scrib / scribe	نوشتن	نوشتار	inscription	نوشته، حکاکی
sect / sec	بریدن	تقسیم کردن	section	بخش، قسمت
sent	احساس	احساس یا رضایت	consent	رضایت دادن
spect	دیدن	نگاه کردن	spectator	تماشاگر
struct	ساختن	ساخت‌وساز	structure	ساختار
vid / vis	دیدن	دید یا تصویر	video	ویدیو، تصویر متحرک
voc	صدا	فراخواندن یا صحبت	vocal	صدایی، مربوط به صدا

ریشه‌های یونانی (Greek Roots)

ریشه	معنی	توضیح ساده	مثال انگلیسی	معنی مثال
anthropo	انسان	مربوط به انسان	anthropology	انسان‌شناسی
auto	خود	مربوط به خود فرد	autobiography	زندگی‌نامه شخصی
bio	زندگی	مربوط به زندگی	biology	زیست‌شناسی
chron	زمان	زمان‌بندی	chronological	به ترتیب زمانی
dyna	قدرت	انرژی یا نیرو	dynamite	دینامیت، ماده‌ی انفجاری قوی
dys	بد	شرایط نامناسب	dysfunctional	مختل‌شده
gram	نوشته	متن یا نوشته	telegram	تلگرام، پیام تلگرافی
graph	نوشتن	نوشتار یا رسم	graphic	گرافیکی، تصویری
hetero	متفاوت	غیر هم‌جنس یا متنوع	heterogeneous	ناهمگن
homo	همان	یکسان یا هم‌جنس	homonym	واژه‌ی هم‌صدا
hydr	آب	مربوط به آب	dehydrate	از دست دادن آب بدن
hypo	زیر	پایین‌تر از حد نرمال	hypothermia	افت دمای بدن
logy	دانش	مطالعه‌ی علمی	psychology	روان‌شناسی

meter / metr	اندازه	اندازه‌گیری	thermometer	دماسنج
micro	کوچک	ریز یا میکروسکوپی	microscope	میکروسکوپ
mis / miso	نفرت	بیزاری	misogyny	زن‌ستیزی
mono	یک	تنها یا یکتا	monologue	تک‌گویی
morph	شکل	تغییر شکل	morphing	تغییر شکل تدریجی
nym	نام	نام‌ها	synonym	مترادف
phil	عشق	دوست داشتن	philosophy	فلسفه
phobia	ترس	هراس	claustrophobia	ترس از فضاهای بسته
phon	صدا	صوت	symphony	سمفونی، ترکیب صداها
photo / phos	نور	روشنایی یا نور	photograph	عکس
pseudo	دروغ	جعلی یا غیرواقعی	pseudonym	اسم مستعار
psycho	ذهن	روان و ذهن	psychic	روانی، روحی
scope	ابزار دید	ابزار دیدن	telescope	تلسکوپ
techno	فن	تکنولوژی یا مهارت	technology	فناوری
tele	دور	از راه دور	telephone	تلفن
therm	گرما	دما یا گرما	thermal	حرارتی